

سئوالاتی پیرامون فاجعه مکه

و ان جعلنا البيت مثابة للناس و امنا واتخذوا من مقام ابراهيم

مصلی و عهدنا الی ابراهيم و اسماعیل ان طهرا بیته للطائفین و

العاکفین والرکع السجود (بقره - ۱۲۵)^۱

گرچه اینک چهل روز از فاجعه دلخراش و اندوه‌بار و مصیبت افزای مکه گذشته و یاد آن همچون جریان سیل تهران تحت‌الشعاع حوادث قرار گرفته است، اما این حادثه کوچک و گذرائی نیست که بتوان به آسانی فراموشش کرد یا در زیر گرد و غبار تبلیغات و ضد تبلیغات و در فوران احساسات و جملات متقابل از یاد برد.

نهضت آزادی ایران در نخستین اعلامیه خود در رابطه با این حادثه خونین وعده داد که پس از روشن شدن قضایا تحلیلی، هر چند مختصر، از حوادث و جریانات حج امسال و عوارض و عواقب ناشی از آن به عمل آورده تنها به همدردی و اظهار تأسف و تأثر قناعت نکند. با این همه علیرغم اطلاعات پراکنده و مطالب ضد و نقیض فراوان که در رابطه با حج خونین امسال از زبان دست اندرکاران و شاهدان عینی و وسائل ارتباط جمعی صوتی و تصویری شنیده و دیده شده است، هنوز هم نقاط ابهام فراوانی وجود دارد که بخشی از آن ناشی از شکل حادثه و بخشی دیگر ناشی از تعارض و تقابل طرفین دعوی و احیاناً پنهانکاری و ضد و نقیض‌گوئی‌هایی است که در اطراف این حادثه به وجود آمده و هر روز افزایش می‌یابد. من‌جمله در آمیختن آن با مسئله خلیج فارس و جنگ و حضور آمریکا و تحریکات اسرائیل و عراق و تا آنجا که هنوز به جای اصل موضوع بحث و دعوی بر سر این مطلب ادامه دارد که آیا گلوله به کار رفته است یا خیر..؟

حقیقت چیست؟ آنچه از این جریان باقیمانده، صدها کشته و هزاران مجروح است که در میان آنان تعداد زیادی معلولین انقلاب «زیر دست و پا و بر اثر فشار و خفگی» له شده‌اند! مقامات عربستان نه فقط در این حادثه خود را مقصر نمی‌دانند بلکه طلبکارانه تبلیغات شدیدی از طریق رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی، همراه با نشان دادن تصاویر و فیلمها به راه انداخته‌اند و در مجامع و محافل بین‌المللی به خصوص در مجمع وزرای خارجه کشورهای عرب با درخواست قطع رابطه با ایران فشارهای فراوانی را وارد می‌سازند!

بر حسب آمارهائی که در ایران منتشر شده سرپرست حجاج در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلان کرد ۲۲۴ نفر از ایرانیها به قتل رسیده‌اند که ۲۱۰ نفر آنها زن و ۱۱۴ نفر مرد هستند. حدود ۵۹ جسد هم

۱- به یاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امر دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت ببردازید و از هر پلیدی پاکیزه دارید تا آنکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدای به جا آرند.

شناسائی شده است که ۴۲ تن آنها زن هستند. علاوه بر آن تعداد زیادی از معلولین و زخمی‌ها بر اثر جراحات وارده قادر نبوده‌اند مراسم حج خود را به جا آورند. همچنین شایعات هولناکی که در اطراف گم شدن برخی بانوان و تعرض به آنها در داخل پراکنده شده و ناراحتی‌ها و عوارضی که در رابطه با مراسم حج در سالهای آینده بر جای گذاشته و نیز آینده روابط ایران با عربستان و سایر کشورها، هر کدام در خور تامل و شایان بحث جداگانه‌ای است.

در برابر ادعای مقامات سعودی که «ایرانیها می‌خواستند کعبه را آتش بزنند و آن را از مکه بر چینند و به قم منتقل کنند! یا اینکه اصلاً برای اشغال مسجدالحرام و «مقابله و کشتار» آمده بودند و هدفشان الصاق عکس رهبرشان به کعبه بود»..... مقامات ایران صریحاً اعلان کرده‌اند که: عربستان خود را برای سرکوبی و تبلیغ آماده کرده و چنین فاجعه‌ای را پیشاپیش تدارک دیده بود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اگر عربستان خود را برای چنین سرکوب و چنان تبلیغاتی آماده کرده بود و با توجه به سوابق امر و هشدارهایی که برخی از مقامات ترکیه و همچنین معاون وزارت حج عربستان قبل از راهپیمائی به مقامات ایرانی داده بود، چگونه پیش‌بینی‌های لازم به عمل نیامد که منجر به چنین فاجعه‌ای نشود؟ وجود این هشدارها آیا منافات با قصد سرکوب کردن و توطئه راه انداختن را نداشته است؟

آیا ضرورت اعلان براءت (که در نشریه پیک نهضت مفصلاً درباره آن از دیدگاه اعتقادی بحث شده است) در حدی بوده است که به قیمت جان صدها مسلمان زائر خانه خدا و شکستن حرمت حریم امن الهی تمام شود؟! یا این فاجعه با برنامه‌ریزی صحیح‌تر و عملی‌تر و پیش‌بینی‌های لازم می‌توانست اصلاً به وقوع نپیوندد یا حداقل در ابعاد محدودتری تحقق یابد.

باید یادآور شویم که محدودیت مکانی مکه، کوچه‌های تنگ و خیابانهای باریک آن با فشار بیش از حد جمعیت چند میلیونی، به تنهایی می‌تواند با کمترین فشار و حرکت غیرعادی منجر به زیر دست و پا رفتن و تلف شدن زائرین شود. در این حال حتی اگر ضرورت چنین مراسمی در حد وجوب و به هر قیمت اجتناب‌ناپذیر بود، دست کم می‌باید پیش‌بینی‌های لازم به عمل می‌آمد تا منجر به چنین تلفاتی نگردد. اگر به چنین موقعیت و فضائی محدود، حمله و هجوم و تیراندازی و سنگ و تیشه و چوب و چماق هم افزوده شود معلوم است چه اتفاقی خواهد افتاد!

به هر حال ابعاد فاجعه عظیم است و غیر قابل جبران! پی‌آمدهای آتی آن نیز قابل محاسبه نیست. این حادثه به عنوان فاجعه عظیم و تأسف‌بار در تاریخ حج ثبت و ضبط خواهد شد و سالها در خاطره مسلمانان باقی خواهد ماند. شاید آنقدر که نفس شکسته شدن حرمت ماه حرام و حرم امن الهی و آثار و عواقب دنیوی و اخروی آن مسلم و جبران‌ناپذیر است، عوارض و صدمات فعلی آن مهم نباشد!

رهبر انقلاب صریحاً اعلان کرده‌اند که این مسئله از مسئله قدس و صدام مهم‌تر و پایدارتر است و ما می‌توانیم از قدس و صدام بگذریم ولی از حادثه مکه نخواهیم گذشت! بلی حادثه مکه فاجعه عظیمی است. لیکن آیا این نوع فجایع را می‌توان با انتقام جبران کرد؟ آیا شکستن حرمت خانه خدا آن هم در چنین ابعاد قابل جبران و ترمیم است؟ و به فرض سر دادن فریاد «انتقام!» می‌توان این گناه بزرگ را ترمیم کرد؟ آیا نباید در چنین مسائل خطیری با راه‌حلهای اسلامی و عاقلانه علاج واقعه را قبل از وقوع کرد؟ مسلم است

که مقامات عربستان با توجه به خطراتی که حیات سیاسی آنها را تهدید می‌کند در موقع لزوم عکس‌العمل نشان می‌دهند. آیا عناصر و افراد غیرمسئول حاد و حادثه‌جو و فرصت‌طلب در صدد ایجاد و توسعه چنین جریانی نبوده‌اند؟

آیا عمال صدام یا مخالفان جمهوری اسلامی و یا گروه‌های دیگر به دنبال این بلوا نبوده‌اند؟! البته این احتمالات چیزی از مسئولیت خطیر مسئولان عربستان و اعمال جنایتکارانه‌ای که در مکه مرتکب شده‌اند نمی‌کاهد. بلکه این پرسشها آن مقامات را نیز زیر سؤال می‌برد چرا که مسلماً این حادثه به طور کلی به اعتقاد اکثر ناظران سیاسی و با توجه به تبلیغات و انعکاس آن در خارج (گرچه فعلاً به نظر تحلیل‌گران غربی موجب تثبیت بیشتر رژیم سعودی شده ولی) نهایتاً به نفع هیچکدام از دو ملت عربستان و ایران تمام نشده و دشمنان واقعی اسلام خاصه اسرائیل و همچنین آمریکا را بهره‌مند کرده است. آیا فریاد برائتی که بی‌سابقه و یک‌نوع بدعت در تاریخ و سنت مناسک حج می‌باشد و باعث شکستن حرمت حریم خانه خدا و ریختن خون بی‌کسان و اهانت به نوامیس مردم شده نقض غرض نیست؟ آیا این کار ما را به هدف واقعی حج نزدیک می‌سازد؟ چگونه است که چنین ضرورت و وجوبی در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله حج اعلان نشده و در کتب احادیث و متون فقهی و مناسک حج و رسالات عملیه از آن نام برده نشده است؟

چگونه است که در سه جلد کتاب وسائل الشیعه مربوط به حج حتی یک حدیث مربوط به وجوب اعلام برائت در این مراسم نیامده است؟

آیا کلیه مراسم که میلیونها مسلمان در طول تاریخ به نیت حج انجام داده‌اند نادرست و خالی از محتوا بوده است؟ شعار وحدت که باید روی مشترکات همه مسلمانان تاکید داشته باشد و به جلب نظر و جذب قلوب آنان بپردازد، آیا با همه شعارها و بیرقها و عکسهای مختلف می‌تواند تحقق یابد؟ آیه‌ای که در صدر اعلامیه آمده است کاملاً می‌رساند که توصیه و تاکید خداوند ذوالجلال درباره خانه کعبه پناهگاه امن برای همه مردم بوده است تا به تاسی از ابراهیم خلیل به عبادات و اتصال به خدا بپردازند و از بانیان خانه پیمان گرفته شده بوده است که آنجا را پاکیزه و آماده برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجود کنندگان خدای یکتا بنمایند نه برای افکار و اعمال دیگر، اگر چه به جای خود مشروع و واجب باشد.

امام حسین وقتی از توطئه قتل خویش در مکه آگاه شد حج را ناتمام گذاشت تا اگر توطئه‌ای هست خارج از حریم امن الهی صورت گیرد و حرمت حرم شکسته نشود و در حقیقت حرمت حرم را به بهای جان خود خرید. در مقابل عبدالله بن زبیر که احتمال می‌داد در مکه قصد جاننش کنند به کعبه پناهنده شد و سعی کرد خانه خدا را سپر بلای خود قرار دهد و حرمت حرم را فدای برنامه سیاسی خود کند.

مسلم است که حادثه مکه نه تنها به لحاظ اسلامی اثرات وسیع و دراز مدت بر جای خواهد گذاشت بلکه اثرات و عواقب سیاسی و پایداری نیز خواهد داشت که برخی از آنها را در شرایط کنونی می‌توان به شرط زیر خلاصه کرد:

۱- تأثیر در روابط ایران و عربستان: با توجه به اینکه در ماههای اخیر تفاهمات و هماهنگی‌های زیادی

بین طرفین فراهم شده بود، این حادثه گرچه ممکن است به قطع روابط منجر نشود، لیکن به افزایش تشنج و اختلال در روابط و جنگ تبلیغاتی و شعارهای تند و لعن و تکفیر طرفین علیه یکدیگر منجر خواهد شد.

۲- هدفی که صدام از سالها قبل در آرزوی آن بود به آسانی تحقق پیدا می‌کند یعنی جنگ میان عراق و ایران تبدیل به جنگ میان اعراب و ایران می‌شود و موضعگیری‌های خصمانه کشورهای عرب علیه ایران افزایش می‌یابد.

۳- عراق پس از این جریان جری‌تر شده، با افزایش حملات هوایی تأسیسات نفتی، منابع اقتصادی و انسانی مملکت را بیش از پیش مورد تهاجم قرار خواهد داد و چون ایران هم ساکت نمی‌نشیند، آتش جنگ شعله‌ورتر می‌شود و در شرایط فعلی با توجه به حضور آمریکا و سایر ابرقدرتها در خلیج فارس خطر تشنج و برخورد افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت.

۴- مسئله قدس که مرکز و محور توجه انقلاب اسلامی بود و سرمایه‌گذاریهای جانی و مالی فراوانی تاکنون برای زنده نگهداشتن و در رأس مسائل بین‌المللی اسلام قرار دادن آن شده است، به تدریج به دست فراموشی سپرده شده یا حداقل چنانکه از زبان رهبر انقلاب شنیدیم اهمیت ثانوی پیدا می‌کند و به جای قدس، بحث درباره حرمین شریفین مرکز تبلیغ و بحث و سمینار و کنگره و واکنش‌های احساسی و عملی می‌گردد.

۵- موضع نفت و از هم‌گسیختگی اوپک و واکنش‌های منفی احتمالی عربستان در قبال این مسئله ممکن است موجب بهره‌برداری کمپانیها و کشورهای صنعتی شود و قیمت نفت با توجه به مبارزه نفتی عربستان با ایران کاهش یابد چنانکه ظرف روزهای گذشته مقداری از قیمت آن کاسته شده است.

۶- تنها فایده‌ای که در برابر این جنبه منفی و قطعی می‌توان تصور کرد این است که عربستان در سطح جهانی افشا شده و ماهیت آن روشن گشته است، لیکن با توجه به تبلیغات همه جانبه و شدیدی که توسط محافل خبری جهان به نفع عربستان و به ضرر ایران جریان دارد و با توجه به اینکه ماهیت عربستان همان ماهیت همیشگی و شناخته شده آن است چنین فایده‌ای نیز بعید به نظر می‌رسد. کما آنکه بعد از فاجعه مکه مواضع اتخاذی تقریباً کلیه کشورهای مسلمان تأیید صریح یا تلویحی عمل عربستان سعودی بوده است.

بدیهی است که نهضت آزادی ایران با خشونت و کشتارهای پلیس سعودی در فاجعه ننگین مکه و همچنین قیومیت یک طائفه متعصب افراطی و زمامداران فاسد ظالم بر قبله‌گاه قاطبه مسلمین و حرم پیغمبر اسلام مخالف بوده و طرفدار شدید رفع چنین سلطه انحصارگرانه می‌باشد ولی نهضت معتقد است که لازم است مبارزه با این انحصارگری از راه معقول و موثر و منطبق با قرآن و سنت با همکاری و وحدت سایر مسلمانان جهان انجام گیرد.

نهضت آزادی ایران

اول مهرماه ۱۳۶۶